

جایگاه سنن اجتماعی قرآن در اندیشه محمد عبده و رشیدرضا

نبی اله صدری فر^۱، محمدرضا ضمیری^۲، محمد مولوی^۳

چکیده

بخشی از آیات قرآن ناظر به سنت های اجتماعی حاکم بر نظام خلقت است که مفسران قرآن کم و بیش به تفسیر این آیات پرداخته‌اند. از جمله این مفسران که به صورت نظام مند و تفصیلی و با نگاهی نو به تبیین سنت‌های حاکم بر جامعه در قرآن پرداخته محمد عبده و رشیدرضا در تفسیر المنار است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با ابزار کتابخانه ای درصدد است تا با مطالعه کامل تفسیر و استقرای تام موضوع به بررسی جایگاه و اهمیت سنت-های اجتماعی در قرآن از منظر این مفسران بپردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که عبده و رشیدرضا اهمیت بسیار بالایی را برای سنت‌های اجتماعی در قرآن قائلند، به گونه‌ای که از نظر آنان برای سنن اجتماعی قرآن مانند دیگر علوم باید ضوابط و قواعدی تدوین شود، دیگر آنکه این آیات می‌تواند معیاری برای نقد و بررسی روایات، کشف ترتیب نزول آیات قرآن و تفسیر صحیح دیگر آیات قرآن استفاده شود. به علاوه؛ راه دستیابی به منابع سنت‌های اجتماعی از مطالعه در قرآن، قصص قرآن، دانش تاریخ و مطالعه در زمین حاصل می‌شود.

کلیدواژه‌ها: سنت، اجتماع، عبده، رشیدرضا، تفسیر المنار.

۱. استادیار دانشگاه پیام نور، (نویسنده مسئول): sadrifar@gmail.com
۲. دانشیار دانشگاه پیام نور: zamiri.mr@gmail.com
۳. دانشیار دانشگاه بین المللی امام خمینی ره: molavi@isr.ikiu.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

از آنجایی که انسان موجودی اجتماعی است سه گونه رابطه برای او قابل طرح است. رابطه انسان با خود؛ رابطه انسان با خدا؛ رابطه انسان با جامعه. نوع اخیر مهم‌ترین و پیچیده‌ترین این رابطه‌هاست که نقشی اساسی در حیات و رفتارهای اجتماعی فرد در جامعه دارد. از طرفی رفتارهای اجتماعی انسان‌ها تحت تأثیر قوانین و نظام‌هایی است که ناظر به دوره خاص و مکان مشخص نیست بلکه این قوانین و نظام‌های ثابت، همه رفتارهای اجتماعی افراد را در همه اعصار سامان می‌دهد؛ یعنی انسان با رفتارهای خود باعث می‌شود در جامعه‌ای که زندگی می‌کند قوانینی از طرف خدای متعال جریان یابد. در منطق قرآن از این قوانین پایدار با عنوان «سنت‌های اجتماعی» یاد می‌شود؛ بنا بر این، سنت‌های اجتماعی عبارتند از: «قوانین ثابت و پایدار حاکم بر زندگی اجتماعی انسان».

پیچیدگی روابط اجتماعی حاکم بر زندگی انسان‌ها و ضرورت آشنایی و توجه به سنت‌های الهی حاکم بر جامعه که اجتماع بشری را به سمت کمال سوق می‌دهد، انسان را بر آن می‌دارد تا با تلاش در کشف این روابط، جامعه خویش را به سمت کمال مطلوب هدایت کند. اهمیت مسئله چنان است که در قرآن بر ضرورت توجه به سنن الهی و تأثیر آن بر سرنوشت انسان‌ها به طور فراوان یاد شده است (رک: بقره: ۲۱۴؛ آل عمران: ۱۳۷-۱۳۸؛ فاطر: ۴۳؛ رعد: ۱۱).

بنا بر این، مطالعه و تحقیق در خصوص قوانین حاکم بر جوامع بشری و سنن الهی اجتماعی که در قرآن بدان اشاره شده و سرنوشت‌ها و هشدارهایی که از این طریق به ما رسیده است، می‌تواند دست مایه‌ای برای همگان قرار گیرد تا جامعه را به سمت تعالی و کمال هدایت و از سقوط آن جلوگیری کنند.

مفسران قرآن نیز همواره به این مهم توجه داشته و تلاش کرده‌اند تا با تبیین سنن اجتماعی قرآن به اصلاح جامعه زمان خود بپردازند. از مهم‌ترین این تفاسیر، تفسیر المنار نگاشته محمد عبده و رشیدرضا است که به خاطر تأثیری که بر جامعه و رفتارهای اجتماعی

مردم در دوران معاصر داشته، جایگاه بسیار مهمی در بین جوامع اسلامی پیدا کرده است. در این تفسیر سنن الهی اجتماعی جایگاه ویژه‌ای دارد. سعید شهوان در این باره می‌گوید: «همانا اول کسی که بسیار به ذکر سنن پرداخته و از ضرورت فهم و درک آن در مقالات و تفسیرش، سخن به میان آورده است، شیخ محمد عبده است» (سعید شهوان، ۲۰۰۸: ۱۴).

بنا بر این، با توجه به اهمیت جایگاه سنت‌های اجتماعی در تفسیر المنار و آگاهی از نقش مؤثر آن در زندگی انسان‌ها به ویژه با در نظر گرفتن چالش‌ها و مسائل پیچیده دوران معاصر، ضرورت توجه بیش از پیش به این مسئله روشن می‌شود.

هدف و پرسش پژوهش

قانون‌مداری و قاعده‌مندی جامعه، و نظام‌مند بودن حوادث و اتفاقات جاری در بستر تاریخ، یکی از مسائل بنیادی جامعه‌شناسی است که توجه بسیاری از متفکران کلاسیک، از جمله وبر، دورکیم، مارکس و نیز نظریه پردازان معاصر نظیر هابرس و گیدنز و باسکار را به خود مشغول کرده است (کچویان و کلانتری؛ ۱۳۹۰). این مسئله در برخی از مباحث تاریخی و داستان‌های انبیا و اقوام گذشته که در قرآن آمده نیز قابل مشاهده است (جمشیدی‌ها و رضوانی؛ ۱۳۹۲). هدف از آوردن این سنن توجه دادن انسان‌ها به نظام حاکم بر خلقت و قانون‌مند بودن آن است. هدف عبرت‌آموزی خلف از سلف است و در نهایت ساختن و پرداختن جامعه‌ای مطلوب و آرمانی آن گونه که قرآن می‌خواهد؛ از این رو، مفسران قرآن نیز همواره کم و بیش به تبیین سنن اجتماعی الهی در قرآن پرداخته‌اند، ولی در تفاسیر معاصر و به خصوص در تفسیر المنار که از تأثیرگذارترین تفاسیر معاصر محسوب می‌شود تبیین این سنن و توضیح جایگاه آنان در زندگی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ بنا بر این این پژوهش به دنبال نشان دادن دیدگاه‌های رشیدرضا و محمد عبده در حوزه سنت‌های اجتماعی در قرآن و نقش آن در آگاهی بخشی به انسان‌ها در جهت ساخت جامعه‌ای قرآنی است؛ بنا بر این، این پژوهش درصدد پاسخ به سؤالات ذیل است: جایگاه سنن اجتماعی و نقش آن در زندگی و ایجاد جامعه مطلوب قرآنی از منظر

مفسران المنار چگونه است؟ مصادر کشف سنن الهی اجتماعی از منظر رشید رضا و عبده کدامند؟ دیگر آنکه از منظر مفسران المنار نتایج عملی و عینی بحث از سنن اجتماعی در قرآن چیست؟

پیشینه پژوهش

کتابها، مقالات و پایان نامه‌هایی کم و بیش درباره سنت‌های اجتماعی در قرآن به نگارش در آمده است و هر یک از پژوهشگران بسته به دانش و اندیشه خویش به تحلیل سنت‌های الهی پرداخته‌اند. برخی از مهمترین مقالاتی که در حوزه سنت‌های اجتماعی در قرآن نگارش یافته به قرار ذیل است:

سنت‌های الهی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، (ترخان؛ ۱۳۹۵)؛ این نوشتار در پی آن است که با استناد به آیات و روایات، سنت‌های الهی اجتماعی را از سه جهت مورد واکاوی قرار دهد: الف: به لحاظ عامل تأثیر، علاوه بر عوامل مادی، عوامل چهارگانه معنوی در حصول نتیجه دخیل‌اند. ب: به لحاظ نتیجه، متون دینی از سنت‌های مطلق (که به فعل و رفتار انسان بستگی ندارد) و مشروط در دو گروه پایه و پیرو سخن می‌گویند. ج: از حیث میزان تأثیر، سنت‌های قطعی از آن جهت که در اختیار بشر قرار داده نشده‌اند به نحو تام دخیل خواهند بود، اما سنت‌های مشروط، گاهی به نحو تام و زمانی به نحو اقتضاء مؤثرند.

سنت الهی در تغییرات اجتماعی از دیدگاه مفسران شیعه (مؤدب؛ ۱۳۸۶) این مقاله به عوامل تغییرات اجتماعی در سه شاخه‌ی شناختی، روانی و رفتاری پرداخته است. سپس بحث کارگزاران تغییر یعنی نخبگان و گروه‌های حاشیه‌ای مورد بحث قرار گرفته است و به دنبال آن به موانع تغییرات اجتماعی در سه حوزه‌ی فرهنگی، اجتماعی و روانی پرداخته در نهایت هدف تغییرات اجتماعی را به بحث گذاشته است.

پژوهشی در الگوی مطالعه سنت‌های اجتماعی در قرآن (کوشا؛ ۱۳۸۹) در این مقاله تلاش

شده که مطالعه روشمند در سنت‌ها را مورد کاوش قرار دهد.

برخی دیگر از مقالاتی که در این باره نگارش یافته عبارتند از: سنت مندی تاریخ در قرآن از منظر شهید صدر (سلیمانی؛ ۱۳۸۹)؛ تبیین جامعه شناختی برخی از سنت‌های اجتماعی قرآن (رجبی؛ ۱۳۹۰)؛ تأملی در فلسفه سریان سنت آزمایش از دیدگاه قرآن (سلیمانی؛ ۱۳۹۲). در این مقالات و دیگر آثاری که نامشان در اینجا ذکر نشده است هریک، از زاویه و جهتی خاص به تبیین ابعاد مسائل گوناگون سنن الهی اجتماعی در قرآن پرداخته‌اند، ولی بررسی‌ها نشان می‌دهد که هیچ اثری به طور ویژه به بررسی جایگاه و نقش سنن اجتماعی در قرآن از منظر نویسندگان تفسیر المنار نپرداخته است؛ بنا بر این این پژوهش ضمن پاسداشت زحمات پیشینیان به تحلیل و بررسی این مسئله در تفسیر المنار می‌پردازد.

روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای است. سراسر تفسیر المنار به طور کامل مطالعه و تلاش شده تا دیدگاه صاحبان المنار درباره مسئله مورد تحقیق کاویده شود.

مفاهیم پژوهش

الف. سنت در لغت

سنت (جمع آن: سنن) در کتب لغت به معنای سیره، راه و روش (پسندیده یا ناپسند) آمده است (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۲: ۴۰۹). اگر این واژه به خداوند نسبت داده شود، به معنای «راه و روش استوار» خواهد بود (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۵: ۲۱۳۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۲۲۶). راغب می‌گوید: سنن النبوی: راه و روش پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) که آن را برمی‌گزینند و مقصد خویش قرار می‌دهد. و سنن الله تعالی: به دو صورت گفته شده، یکی برای روش حکمت خدایی و دیگر روش طاعت و بندگی او. (رک: راغب اصفهانی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۲۶۶) در لغت نامه

دهخدا به معانی راه و روش، طریقه، قانون، و آیین برای سنت، اشاره کرده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۹: ۱۲۱۴۶).

ب. سنت در اصطلاح مفسران

مفسران نیز همسو با دیگر دانشمندان و اسلام شناسان معتقدند سنت، راه و روش مستمر و جاریه را گویند که هم برای خداوند استعمال می‌شود و هم برای غیر او مانند سنت رسول خدا که روش مستمر و جاری وی را گویند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۵۷۸؛ طوسی، بی تا، ۸: ۳۶۲). فخر رازی نیز سنت را راه مستقیم و روشی که دیگران از آن پیروی نموده‌اند، معنا کرده است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۹: ۳۶۹). طباطبایی آن را طریقه‌ای می‌داند که جامعه در آن حرکت می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۲۱)، و یا روشی است که جامعه باید آن را بپیماید (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶: ۳۴۰). برخی نیز در تعریف و شرح آن گفته‌اند: «سنت الهی قانون‌هایی است که نظام جهان بر اساس آن اداره می‌شود یا روش‌هایی است که خدای متعال امور عالم و آدم را بر پایه آن‌ها تدبیر و اداره می‌کند» (مصباح یزدی، ۱۳۷۹: ۴۲۵).

رشیدرضا نیز در تفسیر المنار سنت را به معنای راهی نیکو و روشی که مورد تبعیت و پیروی قرار گرفته است دانسته (رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج ۴: ۱۴۰) و معتقد است امر بشر در اجتماعشان و آنچه بر اجتماع بشری از حق و باطل عارض می‌شود و آنچه به دنبال آن در جوامع بشری از جنگ و غیره است به تحقیق بر طریق قومیه و قواعد ثابت‌های که نظام عام اقتضای آن را دارد جریان دارد (همان).

یافته‌های پژوهش

۱. سنن اجتماعی در قرآن از منظر تفسیر المنار

در اندیشه عبده و رشیدرضا علم و آگاهی به سنت‌های الهی از دانش‌های بسیار مهم و از

نافع‌ترین علوم است و قرآن کریم در آیات مختلف انسان را به این مسئله هدایت نموده که در احوال امم پیشین مطالعه و تدبیر نماید و نیز در زمین گردش نماید تا بتواند به حقایق سنت‌های الهی اجتماعی در زمین آگاهی یابد (رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج ۴: ۱۳۹). از نظر رشیدرضا این علم از مهم‌ترین دانش‌هایی است که باعث ارتقا و سعتمندی جوامع بشری است (همان، ج ۷: ۵۰۰)، و شناخت مؤمنانه سنن خداوند، فرد و جامعه را از پیروی کورکورانه عالمان مدعی و شاهان متعدی آزاد می‌سازد (تهامی، ۱۳۷۸: ۶۲).

بنا بر این در دیدگاه رشیدرضا و عبده بر برخی واجب است تا نسبت به سنت‌های الهی آگاهی یافته و به روشنگری در میان خلق بپردازند (رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج ۴: ۱۳۹). بر همین اساس است که رشیدرضا مکرراً در تفسیر المنار به آگاهی و اندیشه در سنت‌های الهی پرداخته و عموماً در پایان سوره‌ها ضمن تلخیص سوره به مباحث سنن اجتماعی می‌پردازد (همان، ج ۹: ۵۷۶؛ ج ۱۰: ۱۳۵؛ ج ۸: ۲۸۵). به عنوان مثال در پایان سوره اعراف بابی را تحت عنوان «سنن الله تعالی فی الاجتماع و العمران البشری و شؤون الأمم المعبر عنه فی عرف عصرنا بعلم الاجتماع» آورده است و به طور مفصل به تبیین سنن اجتماعی می‌پردازد (همان، ج ۹: ۵۵۹)، و در ادامه به هفت سنت از سنن الهی قابل برداشت از این سوره، پرداخته است (همان: ۵۷۶-۵۷۹). در ادامه به تبیین گونه‌های سنت اجتماعی در قرآن و تشریح ابعاد آن از منظر صاحبان تفسیر المنار پرداخته می‌شود.

الف. جایگاه و اهمیت سنن اجتماعی و فلسفه تاریخ در المنار

یکی از مباحث مهم در جامعه‌شناسی بحث فلسفه تاریخ است. محمد عبده و رشیدرضا در المنار به اهمیت و جایگاه آن پرداخته و متذکر رابطه بین فلسفه تاریخ و سنت‌های اجتماعی در قرآن شده است. عبده به فلسفه تاریخ توجه نموده به عنوان مثال، ایشان در ذیل آیه «یا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَ يَنْذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَ غَرَّبْتَهُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ شَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ؛ (انعام: ۱۳۰) ای گروه

جن و انس، آیا از میان شما فرستادگانی برای شما نیامدند که آیات مرا بر شما بخوانند و از دیدار این روزتان به شما هشدار دهند؟ گفتند: «ما به زیان خود گواهی دهیم.» [که آری، آمدند] و زندگی دنیا فریبشان داد، و بر ضد خود گواهی دادند که آنان کافر بوده‌اند؛ آورده است: «این آیه و آیات نظیر آن، از مبانی جامعه شناسی انسانی است که دائما در حال وضع و تدوین است. این علم عبارت است از آگاهی به سنت های الهی در چرایی ضعف، قوت، عزت، ذلت، فقر و غنی، تمدن و پسرقت و مانند آن. فایده آگاهی به سنت‌های الهی مانند دانش نحو و علم بیان در نگهداری از زبان است. مهم‌ترین ریشه‌های علم سنن در قرآن آمده و اندیشمندان اسلامی برخی از آن‌ها را بیان نموده‌اند. از جمله می‌توان به ابن‌خلدون اشاره نمود وی اولین کسی است که سنن الهی را به عنوان علم تدوین نمود، دیگر بلاد غیر اسلامی از آنچه ابن‌خلدون به نگارش درآورد استفاده نمودند و آن را بسط داده و مبانی آن را گسترش دادند و از مسلمانان پیش افتادند. مسلمانان هم به سبب اقتضانات و تنازع بقا در روزگار جدید از این هدایت به‌وسیله سنن الهی کناره گرفتند. و گروهی خود را این چنین تسلی می‌دهند که ضعف ملل مسلمان به دلیل جبر است و برخی هم تعالیم اسلام را باعث چنین وضعی می‌شمارند» (رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج ۸: ۱۱۱).

ب. لزوم تدوین ضوابط و قواعد سنن اجتماعی قرآن

پایه هر چیزی برای مافوق آن را قاعده گویند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۴۳؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۱۲۹). قاعده امر کلیست که جزئیات، از آن شناخته می‌شود (تھاوی، ۱۹۹۶، ج ۲: ۱۲۹۶). در دیدگاه رشیدرضا و عبده سنت‌های اجتماعی خود، یک دانش است و باید به عنوان گرایشی مستقل از دیگر دانش‌ها پذیرفته شود، رشیدرضا در المنار به صراحت می‌نویسد: «این دانش باید به عنوان شاخه‌ای از علوم وارد مباحث و علوم شود.» (رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج ۴: ۱۳۹). طبیعی است که به دنبال پذیرش این علم به عنوان شاخه‌ای مستقل، بحث‌های جدیدی در تدوین و تکامل آن شکل می‌گیرد؛ به همین دلیل رشیدرضا ادامه می‌دهد که علم سنت‌های اجتماعی باید تدوین شود همان‌گونه که دیگر علوم اسلامی نیز تدوین شده‌اند. وی در همین

باره معتقد است این دانش باید به صورت مدون شکل بگیرد همان گونه که سایر علوم مانند کلام و عقاید تدوین شده است (همان). عبده بر مفسران پیشین اشکال می‌کند که چرا آنان از این مسئله غفلت کرده‌اند و می‌گوید: «در قرآن بسیاری از قواعد این دانش آمده ولی اکثر مفسران از آن غفلت کرده و در آن تأمل نکرده‌اند» (همان، ج ۴: ۴۲) و همان طور که گذشت از نظر صاحبان المنار تنها کسی که از میان قدمای کم و بیش به این مهم پرداخته ابن خلدون است (رک: همان، ج ۸: ۱۱۱).

بنا بر این، یکی از اندیشه‌های مهمی که عبده و رشیدرضا در مقالات و تفسیر المنار دنبال نمودند تدوین قواعد سنت‌های اجتماعی بوده است و از همین رو، در تفسیر المنار همت بالایی را در راستای تحقق این هدف به کار بستند. به طوری که می‌توانیم تبیین و روشنگری در خصوص سنت‌های الهی را هدف اصلی یا یکی از اهداف اصلی رشیدرضا و عبده در تفسیر المنار بدانیم؛ به همین دلیل شاکله اصلی این تفسیر را سنت‌های اجتماعی تشکیل می‌دهد. این امر بدان دلیل است که آنان به این مسئله علاقه و اعتقاد داشته و منتقد غفلتی‌اند که در گذشته نسبت به سنن اجتماعی و تبیین قواعد و نظامات حاکم بر آن توسط دانشمندان روا داشته شده است.

ج. تحلیل و نقد روایات با کمک سنن اجتماعی قرآن

نقد روایات و تشخیص صحیح از سقیم آن‌ها در دانش فقه الحدیث و نقد الحدیث مطرح شده است. از جمله معیارهایی که دانشمندان در فهم و نقد حدیث و غربالگری روایات به کار گرفته‌اند عبارت است از: عدم مخالفت با قرآن؛ عدم مخالفت با اصول مُسَلَّم مأخوذ از کتاب و سنت قطعی؛ عدم تعارض روایت با عقل قطعی؛ عدم تعارض روایت با گزارشات تاریخی قطعی و... رشیدرضا و عبده در تفسیر المنار علاوه بر روش‌های مرسوم از روش دیگری نیز بهره برده‌اند و آن استفاده از سنن اجتماعی قرآن در نقد و تحلیل روایات است. گرچه می‌توان این روش و معیار را زیرمجموعه مغایر نبودن روایت با قرآن دانست ولی این نکته که گونه‌ای از آیات

موسوم به آیات سنن، می‌تواند خود جداگانه معیاری برای نقد روایات باشد امری است که تا پیش از صاحبان المنار کسی بدان اشاره نکرده است. در ادامه به چند نمونه اشاره می‌شود:

نمونه اول: از جمله مواردی که رشیدرضا در تفسیر المنار روایات را به خاطر مخالفت با سنن الهی به بوته نقد می‌گذارد، داستان شق القمر است. مطابق گزارشات تاریخی مشرکان نزد رسول خدا آمدند و گفتند: اگر راست می‌گویی و تو پیامبر خدایی، ماه را برای ما دو پاره کن! فرمود: اگر این کار را کنم ایمان می‌آورید؟ عرض کردند آری - و آن شب، شب چهاردهم ماه بود - پیامبر(ص) از پیشگاه پروردگار تقاضا کرد، آن چه را خواسته‌اند به او بدهد، ناگهان ماه دو پاره شد و رسول الله آن‌ها را یک صدا می‌زد و می‌فرمود: ببینید. بدین ترتیب در سال پنجم، قبل از هجرت، خداوند متعال چنین معجزه‌ای را به دست پیامبر اکرم (ص) جاری می‌کند و ماه به دو نیم تبدیل شده، مردم آن را می‌بینند. سپس دوباره به حالت اول برمی‌گردد، هر چند مشرکین، طبق عادت شان، این معجزه را انکار کردند و گفتند این عمل (معجزه)، سحر است. به دنبال این معجزه، آیات ابتدایی سوره قمر نازل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۳: ۹).

شق القمر به اذن الهی به دست پیامبر اکرم (ص) در مکه و قبل از هجرت، انجام گرفت و مسلمانان چه شیعه و چه اهل تسنن در این مطلب، شکی ندارند. قرآن مجید و روایات مستفیض (نزدیک به متواتر) بر این معجزه دلالت دارند. در مقابل روایات فراوانی که در این خصوص وجود دارد رشیدرضا این دسته روایات را به خاطر مخالفت با سنن الهی در نظام آفرینش رد می‌کند (رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج ۱۱: ۳۳۳).

نمونه دوم: رشیدرضا ذیل آیه «فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ؛ (بقره/۶۵) پس به ایشان گفتیم بوزینگانی طرد شده باشید؛ با طرح این سوال که آیا آن‌ها حقیقتاً به بوزینه تبدیل شدند و تغییر در خلقت اصلی این جماعت رخ داده است یا خیر؟ درباره مسخ آن‌ها به بوزینه تردید کرده است. عبده با رد چنین دیدگاهی، آن را مخالف با سنن الهی می‌داند و موجب عبرت و

موعظه بودن آن را رد کرده است؛ بنا بر این مسخ در آیه را صرفاً مسخ قلبی شمرده است (همان، ج ۱: ۳۴۴).

نمونه سوم: از دیگر مواردی که ایشان روایات را به ادعای مخالفت با سنن الهی کنار نهاده احادیث موسوم به احادیث دجال است (همان، ج ۹: ۴۹۰).

به هر حال نمونه‌های فراوانی در تفسیر المنار وجود دارد که نویسندگان المنار بر اساس آیات مربوط به سنن الهی آن‌ها را مورد نقد و بررسی و تحلیل قرار می‌دهند.

شایسته توجه است، همان‌گونه که پیشتر گذشت عرضه روایت به قرآن یکی از معیارهای تشخیص روایت صحیح از غیر آن است ولی توجه به این نکته نیز ضروری است که تفسیر قرآن نیز باید مطابق ضوابط و قواعد تفسیری باشد، امری که برخی موارد در تفسیر المنار دیده می‌شود. به ویژه آن که مفسران المنار در مواردی دچار عقلگرایی افراطی می‌شوند، امری که نیاز به اثبات ندارد.

د: نقش تبیینی سنن اجتماعی در کشف ترتیب نزول قرآن

یکی از سؤالاتی که همیشه پژوهشگران حوزه علوم قرآن را به خود مشغول داشته است این است که اولین سوره نازل شده بر قلب مبارک پیامبر(ص) چه بوده است؟. در این خصوص روایات متفاوتی وجود دارد. آنچه که میان اندیشمندان در حوزه علوم قرآن و تفسیر شهرت دارد این است که آیات آغازین سوره علق، اولین آیات نازل بر قلب مبارک پیامبر(ص) است. اما شیخ محمد عبده با درنگ در سنت‌های الهی نظریه دیگری در این خصوص مطرح می‌کند. ایشان بر این نظر است که سوره مبارکه حمد از اولین آیات نازل بر قلب مبارک پیامبر است؛ بنا بر این آن دسته از روایاتی را که آیات آغازین سوره علق را اولین آیات نازل شده می‌شمارد کنار می‌نهند. وی دلیل خود را چنین بیان می‌کند که سنت پروردگار بر این است که ابتدا مجمل را بیان می‌کند و سپس به تفصیل آن مجمل می‌پردازند و تفصیل بعد از اجمال از سنت‌های الهی

است. ایشان به عنوان نمونه به گیاه اشاره می‌کند که در عالم خلقت ابتدا دانه‌ای بوده و سپس ساقه و شاخه زده است؛ بنا بر این همیشه تفصیل بعد از اجمال است. سپس با این بیان می‌افزایند که سوره فاتحه اجمال قرآن است و تفصیل آن در سوره‌ها و آیه‌های بعدی قرآن آمده است پس این سوره، اولین سوره نازل شده است (همان، ج ۱: ۳۵).

ه: نقش تبیینی سنن اجتماعی در تفسیر قرآن

آداب و شرایط تفسیر از جمله اموری‌اند که مراعات آن‌ها مفسر را از خطا در تفسیر مصون می‌دارد، قدما در کتب علوم قرآنی و تفسیر، دانش‌هایی را که هر مفسر باید به آن‌ها مجهز باشد برشمرده‌اند، دانش‌های لغت، علم صرف، علم نحو، علوم بلاغی، علوم قرآنی، علوم حدیث، اصول فقه، فقه، کلام از جمله این علومند (زرکشی، ۱۳۷۶ق؛ سیوطی، ۱۴۱۶ق) ولی هیچ اشاره‌ای به داشتن آگاهی نسبت به سنت‌های اجتماعی نکرده‌اند، ولی رشیدرضا شناخت احوال بشر و آگاهی از سنت‌های الهی را یکی از دانش‌های مورد نیاز هر مفسری می‌داند. محمد عبده در تفسیر المنار نسبت به این مطلب هشدار داده و می‌گوید: «من نمی‌فهمم چگونه ممکن است برای کسی که بخواهد این آیه را «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ» تفسیر کند در حالی که احوال بشر را نمی‌شناسد؟ چگونه متحد شدند و چگونه جدا شدند؟ مراد از این وحدتی که بشر بر آن قرار داشت چیست؟ آیا این وحدت نافع برای بشر بوده یا ضرر داشته؟ و آثار فرستادن انبیا برای بشر در اینجا چه بوده است؟» (رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج ۱: ۲۳)

از این رو مشاهد می‌کنیم که عبده برای تفسیر قرآن، آگاهی به سنت‌های الهی را لازم می‌داند و گویا اگر مفسری از این دانش اطلاعات کافی نداشته باشد نمی‌تواند آیاتی مانند این آیه را تفسیر نماید. در واقع فهم لازم برای تفسیر این چنین آیاتی ندارد. بر همین اساس و بر خلاف سیره برخی مفسران که اهمیت فوق العاده‌ای، برای لغت و قواعد عربی در دانش تفسیر قائلند و تفاسیرشان مملو از این بیانات است، رشیدرضا ضمن انتقاد از این گونه تفاسیر بیان می‌کند که پرداختن به لغت و قواعد بیش از حد جایز نیست و تفسیر را بر دو قسم می‌داند،

قسم اول، تفسیری که انسان را از خدا و کتاب خدا دور می‌کند و آن تفسیری است که به حل الفاظ و اعراب جملات و نکات فنی می‌پردازد، این قسم را نباید تفسیر نامید بلکه باید تمرین فنون ادبی صرف و نحو و معانی شمرد (همان: ۲۴).

بنا بر این، همان گونه که مشاهده می‌شود شناخت صحیح و تبیین علمی آیات مربوط به سنن اجتماعی از منظر مفسران المنار از اهمیت بالایی برخوردار است و دارای نقش‌های تبیینی گوناگونی در تفسیر قرآن و نقد و بررسی روایات است.

۲. مصادر کشف سنن الهی اجتماعی در قرآن در تفسیر المنار

ابزارهای شناختی که خداوند در اختیار انسان قرار داده است به دو بخش ابزار عقل و نقل تقسیم می‌شود؛ یعنی دو منبع عقل و نقل به انسان کمک می‌کند تا سنن الهی حاکم بر جامعه را کشف نماید. قرآن کریم هم برای شناخت سنن الهی به منابع و ابزارهایی اشاره کرده که ارشاد و تأییدی است بر آنچه که عقل بیان می‌کند. در ادامه منابعی که به عنوان مصادر کشف سنن الهی است را با تحلیل‌های رشید رضا و عبده ذکر می‌شود:

الف: قرآن کریم

اولین منبع در دستیابی به سنن الهی کتاب قرآن است. آیات فراوانی در قرآن چه به طور مستقیم و یا ضمنی بر سنن الهی تأکید کرده است، اما آیا سنت‌های الهی اجتماعی در دیگر کتب آسمانی هم مطرح شده تا شاید بتوانند به عنوان منبعی در کنار دیگر منابع به کار آید؟ رشید رضا بر این نظر است که در هیچ کتابی از کتب آسمانی پیشین به این مسئله اشاره نشده و آورده است: «نمی‌شناسم کتابی را پیش از قرآن که درباره جوامع و امت‌ها در قوت و ضعفشان، حیات و مماتشان، سنت‌های ثابتی که تبدیل و تغییری در آن نیست، سخن گفته باشد» (رشیدرضا، ۱۲۸۴: ۵۵)؛ بنا بر این قرآن کریم یکی از منابع اصیل برای دستیابی و کشف قواعد سنت‌های الهی است.

ب: قصص قرآن

قصه‌های قرآنی دومین منبعی است که در کشف سنت‌های الهی به انسان کمک می‌کند. در دیدگاه رشیدرضا و عبده بر جایگاه و اهمیت قصص قرآن به عنوان یکی از منابع مهم در دریافت سنت‌های الهی بسیار تاکید شده و آن را راهی برای شناخت سنن الهی دانسته‌اند، در این تفسیر آمده بسیاری از مردم گمان می‌کنند - هم چنانکه بیش از این تصور می‌کردند- قصص قرآنی باید با آنچه در کتاب‌های بنی اسرائیل معروف است و در عهد عتیق و کتاب‌های تاریخی قدیمی آمده مطابقت کند، در حالی که قرآن کتاب تاریخی و قصه نیست، بلکه کتاب هدایت و موعظه است؛ بنا بر این قصه در قرآن برای بیان تاریخ ذکر نمی‌شود بلکه هدف از آن عبرت انسان، بیان سنن الهی در اجتماع بشری و ... است. بر همین اساس در دیدگاه رشیدرضا و عبده ذکر جزئیات قصص قرآنی لازم نیست؛ زیرا هدف از این قصص موعظه انسان و یاد دادن سنت‌های الهی است (رک: رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج ۲: ۴۷۱؛ ج ۱: ۳۶). بر همین نکته در جای دیگری تاکید کرده‌اند که خداوند به وسیله قصص قرآنی به انسان پند و سنت‌هایش را به او تعلیم می‌دهد همان سنت‌هایی که بشر از شناسایی آن‌ها عاجز است (همان، ج ۲: ۴۷۱).

ج: علم تاریخ

از جمله دانش‌های مهم در کشف سنن الهی در قرآن دانش تاریخ است. تاریخ برای هر قومی اهمیت حیاتی دارد، تاریخ خصوصیات اخلاقی و کارهای نیک و بد و تفکرات گذشتگان را برای ما بازگو می‌کند، و علل سقوط و سعادت، کامیابی و ناکامی جامعه‌ها را در اعصار و قرون مختلف نشان می‌دهد، و در حقیقت تاریخ گذشتگان آینه زندگی روحی و معنوی جامعه‌های بشری و هشدار است برای آیندگان (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۱۰۲) اما باید توجه داشت که مراد از دانش تاریخ این نیست که بیاییم آثار باستانی و مجسمه‌هایشان را حفظ، و در کشف عظمت و مجد آنان مخارج گزاف و زحمات طاقت‌فرسایی را تحمل کنیم، این از اموری است که قرآن کریم هیچ اعتنایی به آن ندارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۳۰).

در دیدگاه عبده و رشیدرضا «تاریخ راهنمای بزرگی است برای امت‌های با عزت از امروز تا زمانی که در آن عمران و آبادانی است» (رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج ۱: ۳۱۱). در جای دیگری آورده‌اند: «در قرآن چیزی از تاریخ از این جهت که قصص و اخبار امت‌ها و بلاد برای شناخت احوال امت‌ها باشد، نیست بلکه این‌ها آیات و عبرت‌هایی است که در میان پیامبران و اقوام، به خاطر یادآوری و جریان سنن الهی در جمعیت‌ها و امت‌ها در سیاق و ضمن وقایع جلوه‌گر شده است» (همان، ج ۲: ۲۰۵)؛ «از این‌رو، ارزش و آثار علم تاریخ برای انسان خردمند آشکار می‌شود و از این که کسانی به نام دین با علم تاریخ دشمنی ورزیده و آگاهی از تاریخ را بی اثر قلمداد کرده‌اند، به شگفتی و حیرت فرو می‌رود، چگونه دچار حیرت نشود با این که می‌بیند قرآن، فریاد می‌کند که دانستن تاریخ امت‌های گذشته از مهم‌ترین اموری است که دین اسلام پیروانش را به دانستن آن فرا می‌خواند» (همان، ج ۱: ۶۷).

د: گردش و مطالعه در زمین

یکی دیگر از منابع کشف سنن الهی که در آیات بسیاری از قرآن بدان پرداخته شده سیر در زمین است. از جمله: «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ؛ قطعاً پیش از شما سنت‌هایی [بوده و] سپری شده است. پس، در زمین بگردید و بنگرید که فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است؟ این [قرآن] برای مردم، بیان و برای پرهیزگاران رهنمود و اندرز است (آل عمران: ۱۳۷-۱۳۸). رشیدرضا آورده است: گردش در زمین و بحث از احوال گذشتگان به خاطر شناخت این سنن است (رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج ۴: ۱۴۲).

۳. ثمرات سنن اجتماعی در جامعه کنونی

در پاسخ به سؤال سوم اینکه ثمرات دانش سنت‌های اجتماعی چه است در ادامه به آن پرداخته می‌شود. با توجه به آنچه از آغاز مقاله تا کنون بیان شد آنچه در ادامه خواهد آمد به عنوان لازمه گفتار عبده و رشیدرضا است و بدین معنا نیست که حتماً رشیدرضا و عبده بدان

تصریح کرده و یا دیدگاه قطعی آن‌هاست:

الف. افزایش معرفت دینی و جلوگیری از نابودی امت

یکی از ثمراتی که بر این دانش مترتب است افزایش معرفت دینی در حوزه جامعه‌شناسی قرآنی و به دنبال آن جلوگیری از نابودی امت است. همان‌گونه که گذشت آیات فراوانی در حوزه جامعه‌شناسی قرآنی وارد شده است در حالی که این مسئله در دیگر کتب آسمانی مطرح نشده است (رشیدرضا، ۱۳۸۴: ۵۵)؛ بنا بر این با افزایش معرفت دینی در این حوزه، انسان به شناخت خدا نزدیک‌تر شده و آگاهی او از جهان هستی متفاوت می‌شود. در دیدگاه عبده و رشیدرضا علم به خدای متعال، صفات و افعالش معراج کمال انسانی است، اما علم به سنن الهی در خلق وسیله و مقصد است؛ یعنی علم به سنن الهی بزرگ‌ترین وسیله کمال است برای علمی که قبل از آن بوده است و از نزدیک‌ترین راه‌ها به سوی خدا و بزرگ‌ترین نشانه‌ای است که به سوی خدا دلالت می‌کند. همچنین سنن الهی از بزرگ‌ترین دانش‌هایی است که بشر را در زندگی اجتماعی مدنی ارتقا می‌دهد در نتیجه با این شناخت با عزت‌ترین، قوی‌ترین و خوشبخت‌ترین جوامع خواهند بود (رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج ۷: ۵۰).

عبدالکریم زیدان می‌گوید: شناخت سنن الهی جزئی از معرفت دین یا معرفتی برای جزئی از دین است. این شناخت ضروری و از واجبات دینی است؛ زیرا این آگاهی به کیفیت روش صحیح در زندگی روشنی می‌بخشد و بدین سبب است که ما از آنچه پروردگار ما را بر حذر داشته است نجات می‌یابیم و بر آنچه به مؤمنان وعده داده شده دست می‌یابیم (زیدان، بی تا: ۶-۱۷).

درک سنن الهی عامل مهم و اساسی در جلوگیری از نابودی امت اسلامی است؛ زیرا آگاهی جامع و کامل نسبت به آنچه که در جوامع پیشین باعث سقوط آن‌ها شده می‌تواند در سایر امت‌ها و جوامع تسری یابد. در روایتی از رسول اکرم (ص) وارد شده است که فرمود: قسم به کسی که جانم در اختیار اوست شما نیز پا به پای پیشینیان، از قوانین و سنت‌هایی که پیش از

شما بوده پیروی خواهید کرد (بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۲۶۷). بر همین اساس رشیدرضا بیان می‌کند: «سنن الهی همان گونه در امت‌های حاضر جریان می‌یابد که در سابق جریان یافته است.» (رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج ۱: ۳۴۴) اگر جامعه ای دچار فساد و گناه شود این گناه و فساد دامنگیر آن جامعه خواهد شد. عذاب امت‌ها در دنیا شایع بوده و حتماً در همین دنیا تحقق می‌یابد، این عقاب اثر طبیعی گناهان جوامع است (رک: رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج ۱: ۳۸۲؛ ج ۳: ۲۸۴؛ ج ۸: ۳۱۲؛ ج ۹: ۵۷۶؛ ج ۹: ۴۵۳ و ۵۷۶). هنگامی که امت از راه حق منحرف و گمراه شود و راه باطل را پیش گیرد اخلاقش فاسد می‌شود، در شقاوت فرو می‌رود و خداوند کسانی را بر آن‌ها مسلط می‌کند تا دلیلشان کند و عذاب آن‌ها به روز قیامت به تأخیر نمی‌افتد (همان، ج ۱: ۷۲).

سید جمال اسدآبادی می‌گوید: «هیچ امتی از عرش عزت سقوط نکرده و اسمش از لوح وجود پاک نشده است مگر بعد از اینکه این سنن الهی بر اساس حکمت بالغه‌اش بر آن‌ها جاری شده است» (اسدآبادی، ۱۴۲۳: ۱۷۱).

بنا بر این جامعه اسلامی باید تلاش وافر در شناخت این سنن داشته باشد تا بتواند آنچه را برای جوامع انسانی و اسلامی خطر آفرین است از جامعه دور نماید. سید قطب معتقد است خدا این جهان را آفریده و به انسان آموخته است که در باره‌ی این قواعد و قوانین پژوهش کند، و برخی از آن‌ها را بیاموزد و فهم کند. در حد تاب و توان و به اندازه‌ی نیاز خود با چنین قواعد و قوانینی همساز، هماهنگ و در کنش و سازش باشد (قطب، ۱۴۲۵، ج ۲: ۱۱۱۴)؛ از این رو همان گونه که پیش از این اشاره شد تدوین قوانین سنن الهی باعث حفظ و نگهداری جوامع از خطرات احتمالی است که امکان دارد برای هر جامعه‌ای پیش آید.

ب. آگاهی انسان نسبت به وظایف و احیاء امر به معروف و نهی از منکر در جامعه دینی

در دیدگاه اسلامی و بر اساس آیات مختلف قرآن، اعمال انسان و جوامع در جهان هستی اثر گذار بوده و همین اعمال است که برای انسان و جوامع عکس العمل‌ها را به دنبال دارد. و این خود یکی از سنت‌های الهی است. لذا اعمال خوب انسان و جوامع موجب عکس العمل‌های

خوب و اعمال منفی انسان و جوامع، عکس العمل‌های منفی را در عالم هستی به دنبال دارد؛ بنا بر این، چنین نیست که فرد یا جامعه‌ای دست به فسق و فجور یا تبهکاری و... بزند، ولی از هجوم مصائب و بلاها در امان باشد یا فرد و جامعه‌ای متقی و پرهیزکار بوده و در عین حال از نعمت‌های الهی محروم شود. و در این راستا شناخت سنن الهی برای انسان‌ها هدایتگر و راهگشا است (رک: رشید رضا، ۱۴۱۴، ج ۴: ۱۹۲؛ ج ۵: ۴۷۶؛ ج ۹: ۶۳۷؛ ج ۹: ۲۴). اگر انسان‌ها و جوامع بشری سنن الهی را درک و دریافت کنند طبعاً در طریق صحیح قدم خواهند گذاشت و زندگی و حیات طیبه در خانواده و جامعه برای آنان خواهد بود. و اگر انسان و جوامع از سنن الهی تخلف نموده و راه خود را بیمایند به طور طبیعی آنچه قرآن وعده داده درباره آنان محقق خواهد شد: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» (طه: ۱۲۴)؛

بنا بر این می‌توان برای ما که در جامعه اسلامی زندگی می‌کنیم آگاهی‌های ذیل را از ثمرات این دانش برشمرد: آگاهی به وظایف خود؛ آگاهی جامعه نسبت به خطرات و مشکلاتی که در پی برخی از اعمال و رفتارها که ممکن است از طرف خدای متعال به خاطر آن اعمال و رفتار بر انسان یا اجتماع عارض شود؛ آگاهی از برکات اعمال و رفتارهای انسانی و خیراتی که در مقابل آن عائد جامعه خواهد شد؛ بنا بر این ایمان به سنن الهی، جامعه اسلامی را به احیاء فریضه امر به معروف و نهی از منکر می‌کشانند. همان عملی که سیره و روش انبیا و مرسلین و صالحان در دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر بوده و این امر بر هر مسلمانی واجب است (رک: رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج ۴: ۳۲ و ۳۵)؛ زیرا وقتی جامعه از برخی آثار سوء رفتار خطا در اجتماع آگاهی یافت این آگاهی زمینه امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه فراهم ساخته تا خطرات گناهان فردی و اجتماعی را گوشزد نموده و جامعه را از افتادن در طریقی که بازگشتی از آن نیست نجات دهد و با معرفی کارهای نیک الهی جامعه را از برکات آن آگاه و به سوی سعادت هدایت کند.

ج. زمینه سازی برای ظهور موعود و برقراری حکومت مهدوی

یکی از سنت‌های الهی که در آیات متعددی (نور: ۵۵؛ اعراف: ۱۲۸؛ انبیا: ۱۰۵) بدان اشاره شده سنت استخلاف است. در امتداد این سنت، سنت مهدویت و ظهور مطرح می‌شود؛ یعنی سنت مهدویت و ظهور به تبع سنت استخلاف است. اندیشه منجی گرایی از جمله سنت‌های فراگیر الهی است که در میان همه جوامع بشری مورد قبول واقع شده و آنان با همه اختلاف نژادی، جغرافیایی، دینی و مذهبی بدان اعتقادی یکسان دارند. این اندیشه در اسلام و تشیع در قالب اندیشه مهدویت خودنمایی می‌کند. اندیشه مهدویت از جمله سنت‌های قطعی و تخلف‌ناپذیر اسلام است. این سنت از نظر ماهیت جزء سنت‌های مقیده و از لحاظ کارکرد جزء سنت‌های اجتماعی به شمار می‌رود. بدین معنا که تحقق اندیشه مهدویت و بروز و ظهور آن، متکی به رفتار و کردار بشر بوده و اراده و اختیار بشر در فعلیت‌بخشی به آن، نقشی مؤثر دارد. چنان‌که سید محمدباقر صدر در این باره می‌گوید: سنت‌های اجتماعی و تاریخی خدا از زیر دست انسان‌ها جاری می‌شود (صدر، ۱۳۸۱: ۷۶).

بنا بر این علت مداری و قانونمندی در ظهور، توجیه‌گر امکان زمینه سازی ظهور است و زمینه سازی ظهور نیز به نوعی توجیه‌کننده تأثیرگذاری بشر بر رخداد ظهور است و در نهایت، از مجموع اثبات امکان زمینه سازی ظهور و اثبات تأثیر گذار بودن بشر بر آن، رویکردی چون متغیر بودن ظهور (از نظر زمانی) و تقدم و تأخر پذیر بودن آن (از نظر رخدادی) به دست می‌آید (الهی نژاد، ۱۳۹۵: ۲۷).

حاصل آنکه باید تلاش نمود تا زمینه‌های ظهور حضرت مهدی (عج) تحقق یابد. رشیدرضا در بخش‌هایی از تفسیر المنار از جمله در ذیل برخی آیات (نسا: ۱۵۷؛ اعراف: ۱۸۷؛ توبه: ۳۳) به نقد تفکر مهدویت از نگاه شیعه پرداخته است، پژوهشگران در مقالات متعددی به نقد سخنان و کلمات رشیدرضا و عبده پرداخته‌اند.

نتیجه‌گیری

۱. در اندیشه محمد عبده و رشیدرضا دانش جامعه‌شناسی قرآن و سنت‌های اجتماعی از اهمیت بالایی برخوردار است؛ از این رو این دو مفسر بر این نظرند که ورود به علم تفسیر قرآن بدون آگاهی مفسر از دانش سنت‌های الهی ناقص خواهد بود؛ بنا بر این هر مفسری علاوه بر دانش‌های مرسوم در علم تفسیر باید به صورت علمی از سنن حاکم بر جامعه و دلایل سقوط حکومت‌ها و جوامع اطلاع یابد تا در پرتو آن بتواند جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند را از سقوط و هلاکت و ضلالتی که در دنیای مدرن امروز بر جوامع اسلامی حاکم گشته است نجات دهد.

۲. در دیدگاه رشیدرضا و عبده مصادر و منابع کشف سنت‌های الهی عبارتند از قرآن کریم، قصص قرآنی، علم تاریخ، گردش و مطالعه در زمین.

۳. آگاهی به این دانش همانند دیگر دانش‌ها ثمرات بسیاری را برای جوامع به دنبال دارد که افزایش معرفت دینی و در نتیجه جلوگیری از سقوط امت را می‌توان از جمله مهمترین آن‌ها دانست. همچنین آگاه شدن انسان نسبت به وظایف خویش در جامعه دینی و زمینه‌سازی برای ظهور و برقراری حکومت مهدوی را می‌توان از ثمرات دیگر این دانش برشمرد.

فهرست منابع

قرآن کریم (ترجمه فولادوند).

ابن اثیر، مبارک بن محمد، (۱۳۶۷ش)، *النهاية في غريب الحديث و الأثر*، محقق: محمود محمد طنحاحی، طاهر احمد زاوی، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم.

ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، دار صادر، بیروت، چاپ سوم.

اسدآبادی، سید جمال الدین، عبده، محمد، (۱۴۲۳ق)، *العروه الوثقی*، قاهره.

بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، (۱۴۱۵ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، مؤسسه البعثه، قسم الدراسات الاسلامیه، ایران، قم.

ترخان، قاسم، (۱۳۹۵ش)، «سنت‌های الهی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، الگوی پایه پیشرفت، ۲۹ و ۳۰.

تهامی، فاطمه، (۱۳۷۸ش)، *مفهوم سنن الهی در تفسیر المنار* (نگاهی به یک کتاب)، مجله آیینه پژوهش، شماره ۶۰.

تهاوی، محمدعلی بن علی، (۱۹۹۶م)، *کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم*، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت.

جمشیدی‌ها، غلامرضا و رضوانی، روح الله، (۱۳۹۲ش)، «علل و عوامل دگرگونی تاریخی و اجتماعی از منظر قرآن»، فصلنامه تاریخ اسلام، سال چهاردهم، شماره دوم: ۷-۳۰.

جواد سلیمانی، (۱۳۸۹)، *سنت مندی تاریخ در قرآن از منظر شهید صدر*، نشریه تاریخ اسلام در آیینه پژوهش، ۷(۱)، ۹۳.

جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۳۷۶ق)، *الصحاح*، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ سوم.

دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷ش)، *لغتنامه دهخدا*، تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۶۹ش)، *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن*، ترجمه خسروی حسینی، غلامرضا، مرتضوی، ایران: تهران.

رجبی، محمود، (۱۳۹۰ش)، «تبیین جامعه شناختی برخی از سنت‌های اجتماعی قرآن»، قرآن شناخت، شماره اول، پیاپی ۷.

رشیدرضا، محمد، (۱۳۸۴م)، *الحق و الباطل و القوه*، مجله المنار، شماره ۲۵۰.

رشیدرضا، محمد، (۱۴۱۴ق)، *تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار*، دار المعرفة، لبنان: بیروت.

زرکشی، (۱۳۷۶ش)، *البرهان فی علوم القرآن*، به کوشش محمدابوالفضل، قاهره، احیاء الکتب العربیه.

زیدان، عبدالکریم، (بی تا)، *السنن الإلهیة فی الأمم و الجماعات و الأفراد فی الشریعة الإسلامیة*.

سعید شهوان، راشد، (۲۰۰۸ م)، *تاصیل علم السنن الربانیة*، مجله القسم العربی، الخامس عشر.

سلیمانی، جواد، (۱۳۹۲ش)، «تأملی در فلسفه سریان سنت آزمایش از دیدگاه قرآن»، *فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه نوین دینی*، سال ۹، شماره سی و دوم: ۷۷-۹۲.

سیوطی، (۱۴۱۶ق)، *الاتقان*، به کوشش سعید المندوب، لبنان، دارالفکر.

صدر، محمدباقر، (۱۳۸۱ش)، *سنت‌های تاریخ در قرآن*، ترجمه جمال الدین موسوی اصفهانی، تفاهم، ایران: تهران، چاپ سوم.

طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴ش)، *ترجمه تفسیر المیزان*، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم،

ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، ایران: قم، چاپ پنجم.

طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰ش)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، مؤسسه‌ی الأعلمی للمطبوعات، لبنان: بیروت، چاپ دوم.

طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، ایران: تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم.

طریحی، فخر الدین بن محمد، (۱۳۷۵)، *مجمع البحرین*، مرتضوی، تهران، چاپ سوم.

طوسی، محمدبن حسن، (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، دار احیاء التراث العربی، لبنان: بیروت.

فخر رازی، محمدبن عمر، (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، دار احیاء التراث العربی، لبنان: بیروت، چاپ سوم.

فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، نشر هجرت، قم، چاپ دوم.
 قطب، سید، (۱۴۲۵ق)، فی ظلال القرآن، دار الشروق، لبنان: بیروت، چاپ سی و پنجم.
 کچویان، حسین، کلانتری، عبدالحسین، (۱۳۹۰ش)، «علوم اجتماعی قاعده مدار است یا قانون مدار»، دو فصلنامه علمی پژوهشی: نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، سال اول، شماره اول، ۱-۲۷.

کوشا، غلام حیدر، (۱۳۸۹ش)، پژوهشی در الگوی مطالعه سنت‌های اجتماعی در قرآن، سال اول، شماره دوم.

مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۷۹ش)، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ چهارم.

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیه: ایران، تهران، چاپ دهم.
 مؤدب، فصیحی، سیدرضا و امان الله، (۱۳۸۶ش)، ادیان، مذاهب و عرفان: شیعه شناسی، شماره ۱۸، صص ۱۴۳-۱۹۰.

الهی نژاد، حسین، (۱۳۹۵ش)، «عمومیت قانون علیت و قانونمندی جامعه، توجیه گر نقش مؤثر انسان بر زمینه سازی ظهور»، فصلنامه علمی پژوهشی انتظار موعود، شماره ۵۳.

The Status of the Social Traditions of the Qur'an in the Thought of Mohammad Abde and Rashid Reza

Nabiallah Sadrifar,¹ Mohammadreza Zamiri² and Mohammad Moulavi³

Abstract

Some of the verses of the Qur'an deal with the social traditions of the creation system, which the Qur'anic commentators have more or less interpreted. Two of these commentators, who has systematically and in a detailed way, with a new look at explaining the dominating traditions of society in the Qur'an, is Muhammad Abdu and Rashid Reza in Al-Manar's Commentary. This descriptive-analytical research with library tools aims to study the position and importance of social traditions in the Qur'an from the perspective of these interpreters by thoroughly studying the interpretation and induction of the subject. The findings show that Abdullah and Rashid Reza attach great importance to the social traditions of the Qur'an, so that for them the social traditions of the Qur'an, like other sciences, need to formulate rules and regulations, other than that these verses can be a criterion to review the narrations, discover the order of the revelation of the verses of the Qur'an and to correctly interpret the other verses of the Qur'an. In addition, the way to access the sources of social traditions comes from study of the Qur'an, Qur'anic story, and knowledge of history and study of this field.

Keywords: Sunnah, Society, Abdullah, Rashid Reza, Al Manar.

¹. Assistant Professor of Payame Noor University; sadrifar@gmail.com

². Associate Professor of of Payame Noor University; zamiri.mr@gmail.com

³. Associate Professor of Imam Khomeini International University; molavi@isr.ikiu.ac.ir